

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهر روز فرهیخته

۰۳ مارچ ۲۰۱۶

بدون ترویج سوسیالیسم علمی تهییج انقلابی ناممکن است

پس از کودتای ۲۸ مرداد [اسد] سال ۱۳۳۲ تا انقلاب بهمن [دلو] سال ۱۳۵۷ جنبش سیاسی طبقه کارگر از شکل محافل به اشکال سازمان های وسیع و احزاب سیاسی ارتقاء نیافت. مهم ترین علت این حالت شدت سرکوب متمرکز رژیم شاه به ضد جنبش کارگری و سلطه یک اختناق امنیتی و پولیسی بود که هرگونه فضای تنفسی جمعی مبارزات کارگری را مسدود می کرد. با این همه این دوره طولانی ۲۵ ساله که باید آن را دوره محفلی جنبش سیاسی طبقه کارگر دانست، بی ثمر نبود. در این دوره، از میان عملکرد این محافل، شماری از کادرهائی به وجود آمدند که در جریان سال های نخستین انقلاب بهمن، رهبران سازمان های بالنسبه وسیع جنبش سیاسی طبقه کارگر را تشکیل دادند. در اینجا موضوع بر سر کیفیت این کادرها و کمبودهای آموزش طبقاتی و سیاسی آنان و در نتیجه پایداری انقلابی شان نیست؛ چیزی که البته بررسی آن در جای خود اهمیتی اساسی دارد. نخست باید دید که این کادرها چگونه و تحت چه شرایطی به وجود آمدند و آیا این شرایط پس از سال های نخست انقلاب بهمن فراهم شد یا نه، و اگر نه، تأثیر آن بر وضعیت کنونی جنبش سیاسی طبقه کارگر چیست و چه کمبودهائی در این زمینه وجود دارد؟

کادرهائی که در دوره محفلی به وجود آمدند محصول چه فعالیت و کاری بودند؟ مهم ترین فعالیت و کار دوره محفلی ۲۵ ساله، ترویج مارکسیسم و تربیت سوسیالیستی در این محافل بود؛ هرچند که این ترویج و تربیت ناقص، دست و پا شکسته و دارای محدودیت های بسیاری بود و از اپورتونیزم و رویزیونیسم به ارث رسیده از جنبش کارگری پیشین رنج می برد. قطعاً کمبودهای بسیاری در این باره وجود داشت که خود موضوع تحقیق جداگانه ای است. مثلاً بررسی این امر مهم است که چرا ترویج پیشین حتی در سال های نخست پس از انقلاب نتوانست به اشکال ارتقاء یابنده مبارزاتی و سازمانی کمک کند. یکی از این بحث ها این است که فضای بسیار باز سیاسی دو- سه ساله نخست انقلاب بهمن این توهم را به وجود آورد که این فضا به گونه ای دیرپا دوام خواهد آورد. به عبارت دیگر به قدرت رسیدن ارتجاع قرون وسطانی که دشمن هار و پیگیر دموکراسی و جنبش کارگری است به درستی شناخته نشد، یعنی می بینیم که جریان های چپ ایران در آن زمان به کمبود یک مشی انقلابی در جنبش سیاسی طبقه کارگر مبتلا بودند. برآورد روشنی از قوای بالقوه و بالفعل طبقاتی و جبهه انقلاب و ضد انقلاب نداشتند. توجه به این که در امر مبارزه طبقه کارگر به ضد سرمایه داری اصل بر سازماندهی مخفی در مبارزه است، به فراموشی سپرده شد. آنها درک نمی کردند که تا زمانی که تعادل نیروهای طبقاتی به طور کامل و قطعی به نفع جبهه انقلاب تغییر نکند نباید سازمان مبارزه

سیاسی طبقه کارگر و تشکل های آن را علنی کرد یا آن را به گونه ای سازمان داد که سر تا پای آن علنی باشد. آنها درک نمی کردند که در مبارزه طبقاتی بین سرمایه داران و کارگران مسأله محوری جنگ بی رحمانه برای بود و نبود قدرت سیاسی این دو طبقه و نهایتاً موجودیت خود طبقات سرمایه داران و زمینداران است. هنگامی که دولت اسلامی سرمایه تهاجم فوق العاده ارتجاعی خود را به ضد نیروهای انقلابی به اجراء درآورد، کل جنبش طبقه کارگر به ویژه جنبش سیاسی این طبقه غافلگیر شد و نتوانست خود را در عقب نشینی سازماندهی کند؛ چیزی که صدمات آن تاکنون برجای مانده است. شدت استبداد و اختناق در ایران چنان زیاد است که تا کنون حتی تشکل های توده نی طبقه کارگر و نهادهای مبارزه اقتصادی این طبقه نتوانسته اند به طور علنی پابگیرند!

روشن است که بدون کادرهای تربیت یافته سوسیالیست های انقلابی (کمونیست ها) امکان ایجاد سازمان وسیع انقلابی برای تهییج توده نی (آژیتاسیون) در مبارزه سیاسی انقلابی وجود ندارد. بنابراین برای ورود به امر تهییج توده نی، جنبش کارگری باید مرحله ترویج را در سطوحی لازم و قابل پذیرش گذرانده باشد. ترویج سوسیالیسم علمی هیچ گاه تعطیلی ندارد و هیچ محدودیتی برای آن نمی توان قائل شد. ورود به کار و فعالیت تهییجی امر ترویج را فشرده تر و حرفه نی تر از پیش در دستور کار قرار خواهد داد. باید توجه داشت در مبارزه طبقاتی یکی از اشکال مبارزه عمده می شود که شناختن به موقع آن و تنظیم عمل انقلابی براساس آن اهمیت زیادی دارد. این امر در مورد ترویج و تهییج نیز صادق است.

در شرایط تدافعی مبارزه طبقه کارگر، حتی اگر با اعتصابات وسیع اقتصادی کارگران همراه باشد، و نیز در شرایط رکود اقتصادی، ترویج سوسیالیسم علمی اهمیت عمده ای می یابد. ترویج به کار مستمر و صبورانه نیاز دارد. در شرایط رکود و تدافعی، مبارزه طبقه کارگر، این وضعیت بیش از هر زمان دیگر با شرایط روانی طبقه کارگر که از استثمار و ستم سرمایه منقلب است و در جست و جوی راه حل برای مبارزه ای اصولی و عمیق با سرمایه داری است، منطبق می باشد. تهییج، به عکس، با شرایط رونق اقتصادی و تهاجم مبارزه طبقاتی کارگران و اعتصابات سیاسی این طبقه منطبق است. تهییج زمانی می تواند مؤثر باشد که در نتیجه ترویج سوسیالیسم کادرهای سازمان دهنده تهییج و هدایت آن از پیش در نتیجه ترویج فراهم شده باشد. ما به این جهت به طور ویژه به موضوع **تبلیغ** نمی پردازیم زیرا که تبلیغ امر روزمره مبارزه طبقاتی است و حوادث روزمره جامعه را دربر می گیرد.

در ۲ سال نخستین پس از انقلاب بهمن، سال های سرنوشت سازی که در آن ارتجاع مذهبی قدرت سیاسی خود را با دولت اسلامی سرمایه تثبیت کرد، اختناق و سرکوب وحشیانه ای که این دولت به ضد طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه ایجاد کرد، شیرازه جنبش کارگری ایران، به ویژه جنبش سیاسی این طبقه، را از هم درید و آن را به طور کامل از هم پاشاند. به دنبال دستگیری های بسیار وسیع، شکنجه های ممتد قرون وسطائی و زندان های طولانی برای اعضاء و سمپات های سازمان های سیاسی و کشتار وسیع زندانیان سیاسی در دهه ۶۰ راهی جز فرار یا مخفی شدن تتمه فعالان سیاسی باقی نماند و از آنجا که امنیت و امکان داشتن کار در کشورهای همسایه برای آنان وجود نداشت ناگزیر به مناطق دور، به ویژه به قاره اروپا و امریکا، پناهنده شدند و مهاجرت کردند. سازمان های سیاسی در ایران یکی پس از دیگری از بین رفتند و برای مدتی دراز امکان ترویج سوسیالیسم علمی نیز در این کشور از بین رفت. شدت سرگشتگی سیاسی پناهندگان و مهاجران چپ به دنبال شکست انقلاب بهمن و تار و مار شدنشان و اثر اپورتونیسم و رویونیسم حاکم در میان این پناهندگان و مهاجران چنان بود که در خارج کشور هم نتوانستند خود را جمع و جور و سازماندهی کنند.

در برآمد دوباره جنبش کارگری در ایران، در سال های اخیر، که خود را عمدتاً در مبارزات اقتصادی و علنی نشان می دهد، کمبود رابطه بین جنبش سیاسی طبقه کارگر با جنبش اقتصادی این طبقه به شکلی کاملاً بارز ملاحظه می گردد. علت عمده این امر، علاوه بر استبداد و اختناق حاکم بر کشور، نبود یا کمبود کادرهای تربیت یافته ای از سوسیالیست های انقلابی است که بتوانند بر جنبش کارگری تأثیر متشکلی بگذارند. در واقع در دوره طولانی اختناق بسیار وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی امکان ترویج سوسیالیسم انقلابی ممکن نشد. اکنون با آن که تهییج توده ئی در مبارزه اقتصادی طبقه کارگر به خاطر شدت تهاجم رژیم اسلامی و سرمایه داری حاکم در ایران وجود دارد و اعتصابات اقتصادی بسیاری را همراهی می کنند، اما کاملاً آشکار است که مبارزات اقتصادی طبقه کارگر خصلت دفاعی دارد و اهم آنها برای مقابله با عدم امنیت شغلی، مبارزه با قراردادهای موقت و سفید امضاء، مبارزه با عدم پرداخت مزد و تعویق طولانی پرداخت آن، با بیکارسازی های وسیع و مستمر و از این قبیل موارد، صورت می گیرد. در دوره اخیر، تاکنون جنبش کارگری نه تهاجمی و سیاسی، بلکه دفاعی و حتی می توان گفت صرفاً اقتصادی بوده است.

از آن گذشته، شعارهای تهییجی و مطالباتی نیز غالباً چون بر پشتوانه ترویجی سوسیالیستی متکی نیستند، به آگاهی توده ها از شرایط عمومی خود، تضاد بین کار و سرمایه، سرشت قدرت سیاسی حاکم و چشم انداز تغییر بنیادی اوضاع کمک چندانی نمی کنند و در بهترین حالت ماهیت کارفرمای معین، فرمانداری یا دادگاه یا اداره کار یا نیروی انتظامی محلی را برای کارگران فاش می سازند. بگذریم از این که در موارد نچندان کمی، در اثر دخالت کارگران محافظه کار، اعضای شوراهای اسلامی و خانه کارگر، کارگران طرفدار جریان های اصلاح طلب حکومتی و غیر حکومتی و یا کادرهای کارخانه و محیط کار، عکس های خمینی و خامنه ای، این جلادان و دشمنان خونین طبقه کارگر، به عنوان «شفیع» به همراه پلاکارت های حمایت از رژیم اسلامی و یا دفاع از سیاست هسته ئی و نظامی رژیم هم برخی اعتراضات کارگری را همراهی می کنند. همان گونه که در برخی اعتصابات کارگری در زمان شاه، عکس شاه و بنرهای حمایت از «انقلاب سفید» او تظاهرات و اعتراضات کارگری را آلوده می کرد!

اکنون به علت تعدد اعتصاب های اقتصادی و شدت و توسعه آنها، این اعتصابات از حالت پراکنده خارج می شوند و یک رشته از صنایع را به طور کامل دربر می گیرند و امید این وجود دارد که اعتصابات کارگری در چندین رشته به طور هماهنگ و همزمان صورت گیرند و حتی به اعتصاب های سراسری تبدیل شوند. روشن است که نباید در این باره به دیدگاه اکونومیستی در غلتید و تصور کرد که همان مبارزه اقتصادی می تواند به مبارزه سیاسی تبدیل شود و اعتصاب های اقتصادی در روند رشد خود لزوماً و خود به خود به اعتصاب های سیاسی تبدیل خواهند شد!

تهییج توده ئی در مبارزه اقتصادی با آن که لازمه مبارزه طبقه کارگر است ولی بدون تهییج سیاسی در جنبش کارگری، راه انقلابی برای طبقه کارگر نخواهد گشود. حاصل هر تهییج توده ئی در مبارزه اقتصادی هرچه باشد طبقه کارگر یک گام در راه رهائی خویش برخواهد داشت. تهییج سیاسی نیز بدون **ترویج سوسیالیسم** و تربیت کادرهای انقلابی که وظیفه تهییج سیاسی را به پیش برند، امری ناممکن است!

روشن است برای آن که تهییج سیاسی در طبقه کارگر ممکن شود باید ترویج سوسیالیسم علمی و تئوری انقلابی در درجه نخست در میان خود طبقه کارگر و به ویژه در میان کارگران صنایع بزرگ به طور ممتد و با توجه به نیازهای زنده انقلابی طبقه کارگر صورت گیرد و هدف مقدم آن ایجاد هسته های مخفی کمونیستی رهبری کننده مبارزات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظری طبقه کارگر و اتحاد این هسته ها برای ایجاد حزب طبقه کارگر باشد و نیز روشن است که این مهم بدون وجود شماری از کادرهایی که به گونه حرفه ئی این امور را به پیش برند ممکن نیست! در این

راستا باید همه شرایط فعالیت مخفی و علنی و فعالیت قانونی و غیر قانونی (به مفهوم فعالیت انقلابی) و رابطه آنها با هم در نظر گرفته شود و مفروض باشد.

شرط تهییج سیاسی و در نهایت درهم شکستن قدرت سیاسی حاکم با انقلاب سیاسی پرولتاریا، وجود کادرهای انقلابی سوسیالیست متشکل در سازمان سیاسی طبقه کارگر (حزب کمونیست) است و این مهم بدون ترویج سوسیالیسم علمی و تنوری انقلابی غیر ممکن است! هر خط کلی دیگری غیر از این برای متشکل کردن طبقه کارگر برای پیشبرد مبارزه طبقاتی راه به جایی درست و انقلابی نمی برد!

بهمین [دلو] ۱۳۹۴